

در میان سربازان خ ط مقدم آموزش هنر

گزارش از نشست معلمان هنر از چهار گوشه‌ی کشور

سمانه آزاد

رشد آموزش هنر در نیمه‌ی اردیبهشت ماه، میزبان نمایندگان از معلمان هنر استان‌ها و شهرهای گوناگون کشور بود.

در ابتدای این جلسه، آقای تیموری، سردبیر مجله‌ی رشد هنر که اداری جلسه را نیز بر عهده داشت، گفت: «بهانه‌ی اصلی ما برای برگزاری این جلسه، دریافت نظرات شما معلمان در خصوص درس هنر و موضوعات و مسائل پیرامون آن است.»

در این نشست معلمان حاضر در جلسه به بیان نظرات خود در رابطه با ظرفیت‌ها و کاستی‌های درس هنر، مشکلاتی که معلمان با آن‌ها روبه‌رو هستند و نیز تجربه‌ها و ایده‌های خود پرداختند.

اینک مشروح گفت‌وگوهای معلمان هنر از چهار گوشه‌ی کشور:

هدف: ارتقای وضعیت آموزش هنر در

مدارس

در ابتدای این جلسه، آقای تیموری، ضمن خوشامدگویی به حضاران گفت: «امروز در خدمت معلمان هنر برخی از شهرهای کشور هستیم که در کنار دیگر همکارانمان، عهده‌دار تعلیم و تربیت مباحث هنری در پروراندن حس زیبای دوستی و زیبایی‌شناختی در دانش‌آموزان هستند. بحث امروز نگاهی است به مباحث درس هنر به طور اختصاصی در دوره‌ی راهنمایی تحصیلی، و نیز برخی درس‌های هنرستانی که جنبه‌ی هنری دارند.

هدف اصلی ما از برگزاری این میزگرد، دریافت نظرات شما معلمان در خصوص آموزش و نیز شناسایی فرصت‌هایی که این درس در رابطه با پروردان حس زیباشناختی در دانش‌آموزان ایجاد می‌کند. کاستی‌های درس هنر و مشکلات فعلی که شما به عنوان دبیر هنر با آن‌ها روبه‌رو هستید. هم‌چنین بسیاری از شما ایده‌های بسیار خوبی در رابطه با ارتقای کیفی آموزش هنر متناسب با شئون هنر دارید.»

وی هم‌چنین اظهار داشت: «ما اگر نظام شخصیت را ترکیبی از چند مقوله‌ی اساسی بدانیم، هر فردی هم اقتصادگراست، هم فردی معناگرا، هم هنرگرا و هم به عالم هستی نگاه فلسفی دارد. پس شخصیت هر فردی دارای بعد هنری هم هست. یعنی اگر برای کسی، اولویت ارزشی با اقتصاد است، نه این‌که از هنر بی‌بهره است، بلکه بعد هنری شخصیت او فرصت بروز پیدا نکرده است. یادمان باشد که پرورش انسان هنرمند، پرورش انسان معناگراست.

واقعاً اگر بخواهیم هنر را به یک ساعت درسی تقلیل دهیم، چه شاهکاری می‌توانیم در مدرسه داشته باشیم؟» وی خطاب به دبیران حاضر در جلسه گفت: «هر کدام از شما تجربه‌هایی در خصوص ارائه‌ی مفاهیم درس هنر دارید. در حال حاضر هم درس هنر به صورت تلفیقی ارائه می‌شود؛ یعنی به قسمت‌های متفاوتی از جمله نقاشی، طراحی، خوش‌نویسی، کاردستی و... تقسیم شده است. شما دبیران هم متناسب با گرایش‌های خود، کلاس را به آن سمت و سو سوق می‌دهید و بر دانش‌آموزان اثر می‌گذارید.

به موازات این نشست «رشد آموزش هنر» جلسه‌ای را با مدرسان هنر برگزار کرد تا نظراتشان را به عنوان مدرس هنر در خصوص ارتقای وضعیت آموزش هنر در مدارس جویا شود. در این جلسه می‌خواهیم با شما دبیران که همواره در خط مقدم جبهه‌ی تعلیم هنر فعالیت دارید، درباره‌ی همین موضوع گفت‌وگو کنیم و از مجموعه‌ی نظرات شما برون‌داد خوبی به دست آوریم. این کار با این هدف است که نظرات مدرسان و معلمان هنر و نیز در مراحل بعد نظر کارگزاران و برنامه‌ریزان درس هنر را در کنار هم داشته باشیم. این فرصتی است که باید از آن برای انعکاس نظراتمان استفاده کنیم.»

وی در ادامه از حضاران در جلسه خواست تا ضمن معرفی خودشان، نقطه نظراتشان را به اجمال بیان کنند و افزود: «البته مقصود این نیست که فقط انتقاد کنیم. می‌خواهیم از ایده‌های شما در رابطه با برنامه‌ریزی منطقی درس هنر نیز استفاده کنیم.»

ارزش‌یابی در هنر؛ بر چه اساس؟

خانم نسرین هداوند، با ۲۱ سال سابقه‌ی تدریس از شهر ورامین، سخنانش را این‌گونه آغاز کرد: با توجه به مطالب گفته شده، یکی از جنبه‌های این نشست در رابطه با کاستی‌ها و مشکلات درس هنر است و ما می‌خواهیم در راستای ارتقای آموزش هنر پیش برویم. باید به نحوه‌ی ارزش‌یابی درس هنر توجه کنیم. از میان عناوین درسی هنر، شاید در خوش‌نویسی مشکل زیادی نداشته باشیم چون تا حدی قواعد و مقرراتی وجود دارد که ما می‌توانیم براساس آن‌ها بارم‌بندی کنیم. ولی در مورد نقاشی و طراحی بارم‌بندی مشکل است و شاخصی وجود ندارد که بتوان به راحتی و براساس آن به دانش‌آموزان نمره داد تا اگر این نمره مورد اعتراض کسی واقع شد، ما به عنوان معلم بتوانیم پاسخ‌گو باشیم.»

یکی از راه‌حل‌ها تغییر کتاب درسی است. کتابی که در حال حاضر تدریس می‌شود، خیلی قدیمی شده است. طراحی آن خیلی سطح پایین است. سرفصل‌های کتاب باید تغییر کند و در حد دوره‌ی راهنمایی تحصیلی تألیف شوند

رشد آموزش

۶

دوره هشتم : شماره اول : پاییز ۱۳۸۸

وی افزود: «من برای این‌که این مشکل را حل کنم، شگردهایی را به کار می‌برم تا بتوانم پاسخ‌گویی دانش‌آموزان باشم؛ چرا که برخی از دانش‌آموزان واقعا زحمت می‌کشند و برخی هم تنبلی می‌کنند. ما به عنوان معلم باید میان آن‌ها تفاوت قائل باشیم.»

زمانی در يك دبستان غیرانتفاعی درس می‌دادم که دانش‌آموز صرفاً باید ۲۰ می‌گرفت! من هم هنگام ارزش‌یابی، وقتی که ۲۰ می‌دادم، در واقع آن را به يك نکته مثبت در کار آن دانش‌آموز می‌دادم. مثلاً: «۲۰، چون تمیز نوشتی»، «۲۰، به خاطر این‌که از رنگ قرمز خوب استفاده کرده‌ای» و... یعنی متنی را حتماً زیر نمره می‌نوشتم. در واقع ۲۰ را قابل توجه می‌کردم تا بتوانم پاسخ‌گو باشم.»

وی درباره‌ی ارزش‌یابی این درس در دوره‌های تحصیلی بالاتر گفت: «در این خصوص با هم‌یاری دیگر همکاران، شاخص‌هایی را تعیین کردیم؛ از جمله: خلاقیت، محتوا، نوع تکنیک، ابزار مورد استفاده، نحوه‌ی ارائه و حتی تحویل به موقع کار. برای هر شاخص هم بارمی را مشخص کردیم. البته شاید این کارهایی که ما انجام داده‌ایم، چندان مورد مؤثر نباشد. البته این‌گونه نبود که نحوه‌ی انجام این کار از طرف سازمان

به صورت مدون در اختیار ما قرار داشته باشد.

در طول سال‌های تدریسم، همواره این سؤال برای من مطرح بود که درس هنر باید بر چه اساسی ارزش‌یابی شود تا خدای نکرده در مقابل دانش‌آموزان مسئول نباشیم و به حق نمره دهیم.»

تغییر کتاب درسی، آری یا نه؟

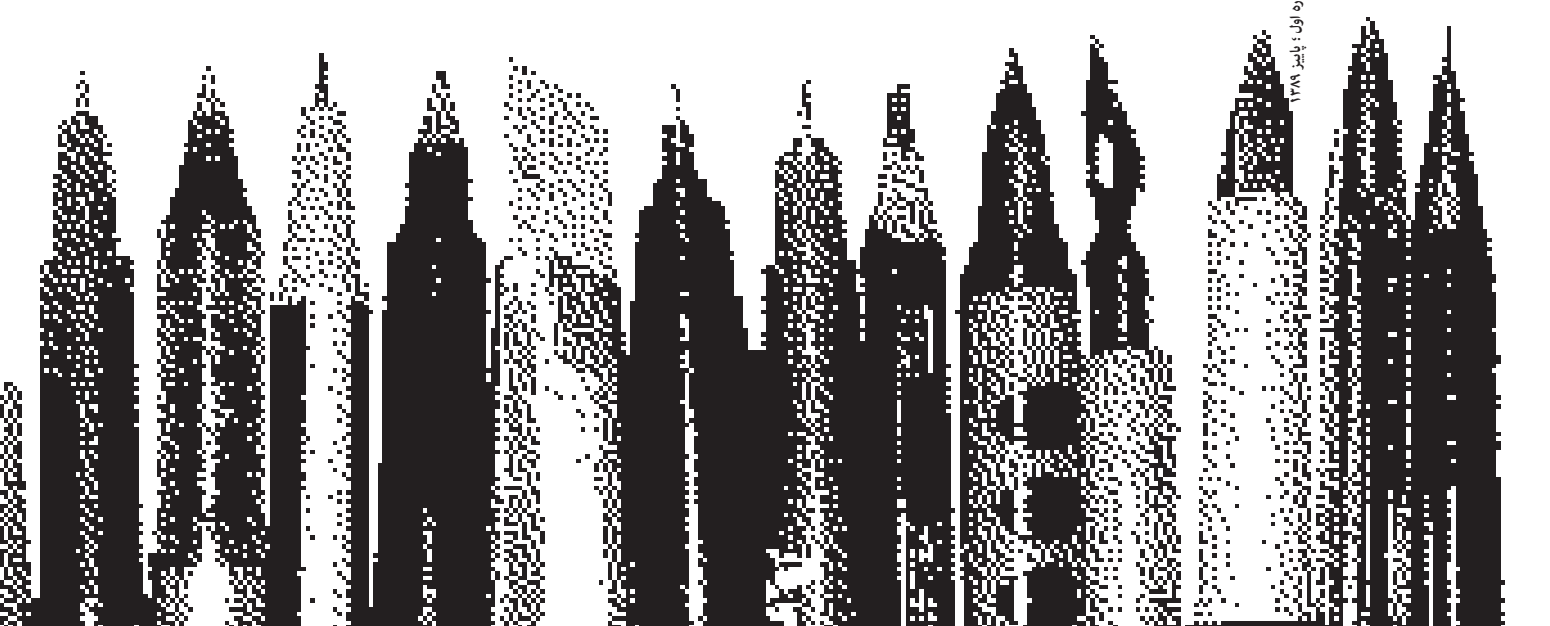
در ادامه آقای خانی از استان مرکزی، شهر خمین، به ارائه‌ی نظراتش پرداخت: «دانش‌آموزان در دوره‌ی ابتدایی، با هنر آشنایی ندارند و هنگامی که وارد دوره‌ی راهنمایی می‌شوند، هنوز حتی نمی‌توانند خط نستعلیق را بخوانند. یعنی پیش‌زمینه‌ها در دوره‌ی ابتدایی به خوبی شکل نمی‌گیرند.

اگر دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی، حداقل آشنایی را با مبانی اولیه‌ی هنر داشته باشند، مشکلات معلم در دوره‌ی راهنمایی تحصیلی کمتر می‌شود. در دوره‌ی راهنمایی، دو سال طول می‌کشد تا معلم، قلم‌نی، مرکب، کاغذ متناسب خوش‌نویسی، و... را به دانش‌آموز معرفی کند. از آن‌جا هم که زمان برای تدریس کم است، دانش‌آموز در طول سه سال

راهنمایی، همین‌که با اصول و مبانی آشنایی پیدا می‌کند، فارغ‌التحصیل می‌شود. اگر طی پنج سال ابتدایی این آشنایی اولیه صورت گیرد، در دوره‌ی راهنمایی آشنایی او گسترده می‌شود و دانش‌آموز حداقل می‌تواند با دید وسیع‌تری رشته انتخاب کند.»

وی افزود: «عده‌ای از دبیران هنر فقط در يك زمینه در کلاس فعالیت می‌کنند. یعنی بنا به علاقه‌ی خودشان ممکن است فقط طراحی، نقاشی یا خوش‌نویسی را در کلاس اجرا کنند، در حالی که باید حداقل در دو زمینه کار کنند.»

آقای خانی در پاسخ به درخواست آقای تیموری مبنی بر ارائه‌ی راه‌حل در رابطه با این موضوع گفت: «یکی از راه‌حل‌ها تغییر کتاب درسی است. کتابی که در حال حاضر تدریس می‌شود، خیلی قدیمی شده است. مثلاً طراحی آن خیلی سطح پایین است یا موضوع افشانگری را الان بچه‌ها در مهدکودک و آمادگی می‌خوانند. سرفصل‌های کتاب باید تغییر کند و در حد دوره‌ی راهنمایی تحصیلی تألیف شوند. بچه‌های ما در دوره‌ی راهنمایی هنوز خط، سطح و جنسیت را نمی‌شناسند، تمرین‌های کتاب متناسب با آموخته‌های دانش‌آموزان نیست.»



آرزوی کارگاه هنر!

آقای عباس سپهری از اسلام شهر شهرستان‌های استان تهران) نیز پیرامون موضوع جلسه نکاتی را مطرح کرد: «به نظر می‌رسد وجود کتاب هنر ضروری است، چرا که مدرسه با کلاس‌های هنری خارج از آن فرق می‌کند. ضمن این‌که کتاب باید ابتدا رشته‌های هنری را به دانش‌آموزان معرفی کند، سپس آموزش را آغاز و ابزار کار را به آن‌ها معرفی کند.»

وی در ادامه گفت: «طبق تجربه‌ی من، گرایش دانش‌آموزان به طراحی و نقاشی بیشتر از خوش‌نویسی است، اما به کتاب کمتر علاقه نشان می‌دهند. شاید به این دلیل که جذابیت کمی برای دانش‌آموزان دارد. نکته‌ی دیگری که درباره‌ی درس هنر باید به آن توجه کرد، در مورد آشنایی اولیه‌ی دانش‌آموزان با هنر است. یعنی قبل از این‌که مدرسه و کتاب هنر خوش‌نویسی، طراحی و دیگر هنرها را به دانش‌آموزان بیاموزد، آن‌ها خودشان از هر طریقی که برایشان امکان‌پذیر بوده است با این هنرها آشنا شده‌اند و نمی‌توان گفت بچه‌ها به‌طور دقیق توسط آموزش و

پرورش با هنر آشنا شده‌اند.»

این معلم تأکید کرد: «روش تدریس هنر که در حال حاضر اجرا می‌شود، باید تغییر کند. در مدرسه‌ها باید اتفاقی مانند آزمایشگاه یا کارگاه مختص درس هنر وجود داشته باشد. در بعضی مدارس این کارگاه شکل گرفته است، اما عمومی نیست. من احساس می‌کنم، اگر در هر مدرسه‌ای یک اتاق به تدریس هنر اختصاص داشته باشد، نتیجه‌ی بهتری خواهد داشت.»

همه‌ی تجربه‌های تلخ و شیرین

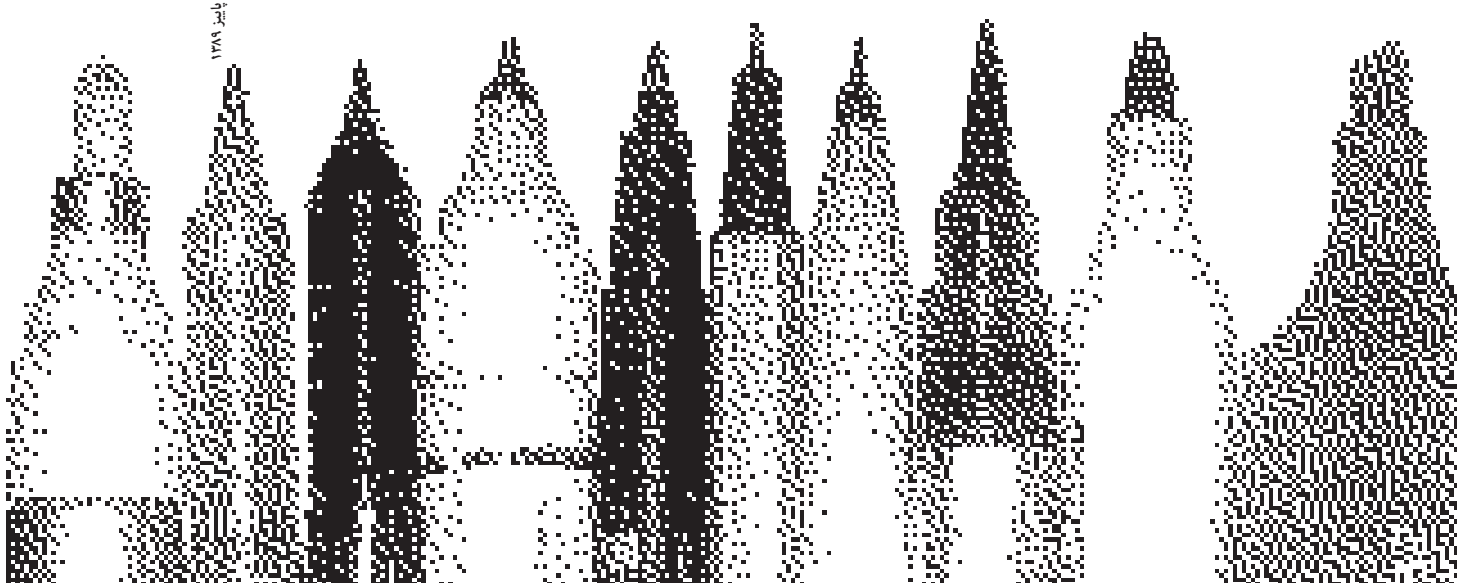
یکی از معلمان جوانی که نکاتی را مطرح کرد، خانم صفوی بود که از شهر سنجاس استان زنجان در این جلسه حضور داشت. وی با توجه به تجربه‌ی دو ساله‌ی تدریس خود گفت: «دریافت من از تدریس در این دو سال این بوده که دانش‌آموزان کار با رنگ را خیلی دوست دارند. بچه‌ها در روزهایی که با رنگ‌های گواش کار می‌کردیم، بسیار مشتاق بودند. البته من در فواصل کار با گواش، یک جلسه هم خوش‌نویسی برگزار می‌کردم تا هم خوش‌نویسی را فراموش نکنند و هم چیز جدیدی

یاد بگیرند.»

وی در جمع‌بندی سخنانش گفت: «درس هنر باید تنوع داشته باشد. یعنی معلمان فقط در یک زمینه کار نکنند. به خصوص در رابطه با کار رنگ دانش‌آموزان خیلی مشتاق هستند.»

خانم فاطمه نساجی که در شهری تدریس می‌کند، از دیگر معلمان شرکت‌کننده در این نشست بود که به ارائه‌ی نظراتش در مورد درس هنر و برخی تجربیاتش پرداخت و گفت: «از آن‌جا که هنر یک درس ذوقی است، معلم باید دانش‌آموزان را به تمرین تشویق کند. من تجربه‌هایی در این زمینه دارم. یکی از کارهایی که در این زمینه تشویق بچه‌ها این است که کلاس را به گروه‌های متفاوت تقسیم و برای هر گروه یک سرگروه انتخاب می‌کنم که اگر کارشان را درست انجام ندهند، مقام سرگروهی را از دست می‌دهند. بچه‌ها خیلی مشتاق هستند که سرگروه شوند، چون سرگروه‌ها امتیازاتی دارند و وجهه‌ای هم در کلاس پیدا می‌کنند. یکی دیگر از کارهایی که انجام می‌دهیم، برگزاری نمایشگاه‌های گروهی به مناسبت‌های گوناگون است که کار

روش تدریس
هنر که در حال
حاضر اجرا
می‌شود، باید
تغییر کند. در
مدرسه‌ها باید
اتاقی مانند
آزمایشگاه یا
کارگاه مختص
درس هنر وجود
داشته باشد





کانون ترموری

حتی من نوعی که چندین سال در وادی هنر خوش‌نویسی کار کرده‌ام، احساس می‌کنم که هنوز متوجه اصل قضیه نشده‌ام. هنر خط استوانه‌ای فرهنگ است. در این نظام هندسی همه چیز هست و ما از فرط نزدیکی به موضوع، اهمیتش را به خوبی درنیافته‌ایم. در نهایت با نقطه نظر شما کاملاً موافقم، با

آموزش هنر را وارد برنامه درسی رسمی مدارس کرده‌ایم؟ شاید جواب این باشد که به وسیله‌ی هنر، می‌خواهیم نظم را یاد بدهیم یا این که دانش‌آموزان هنر را در زندگی‌شان به کار ببرند و پیرامونشان را بهتر ببینند. اما آیا هنر دوره‌ی راهنمایی این کاربرد را دارد؟ ما معمولاً طراحی را به دانش‌آموزان برای رفع تکلیف آموزش می‌دهیم و هیچ وقت هم به آن‌ها نمی‌گوییم چرا باید طراحی یا افشانگری را یاد بگیرند. در واقع کاربرد این هنرها را به آن‌ها آموزش نمی‌دهیم. اصالت هنر به کاربرد آن است.

آقای تیموری در پاسخ به این معلم گفت: «در این که باید چراها و چیستی‌های درس هنر را به دانش‌آموزان بگوییم، شکی نیست. اما باید به این نکته هم توجه داشته باشیم که این چراها و چیستی‌ها را ناقص منتقل نکنیم. تحلیل‌ها را در رابطه با این موضوعات درست بیان کنیم که مثلاً قلم نی به چه درد می‌خورد. اگر ما بخواهیم طبق روان‌شناسی ژان پیاژه هم پیش برویم، این آموزش‌ها با سن بچه‌ها هیچ‌گونه ناسازگاری ندارد و سازگارترین دوره‌ی زمانی برای تثبیت هنرهای تجسمی دوره‌ی نوجوانی است.»

وی در ادامه گفت: «هنر خوش‌نویسی نهایت تجربه‌ای است که یک فرد انجام می‌دهد و این هنر می‌تواند او را در ذات معنوی‌اش نگاه دارد. هنرمندی مثل آیدین آغداشلو، که از شخصیت‌های هنری در شناخت مباحث تحلیل هنر، تاریخ هنر و ... است، گرچه خوش‌نویسی بلد نیست، اما آن‌چنان از چرایی‌ها و چیستی‌های خوش‌نویسی صحبت می‌کند که

دانش‌آموزان به دیوار مدرسه زده می‌شود.

دادن نمره‌ی بالاتر از ۲۰ هم یکی دیگر از کارهایی است که به عنوان تشویق انجام می‌دهم. مثلاً به دانش‌آموزانی که کارشان خوب است و از ذوق هنری خود استفاده می‌کنند، نمره‌های بالاتر از ۲۰ می‌دهم.»

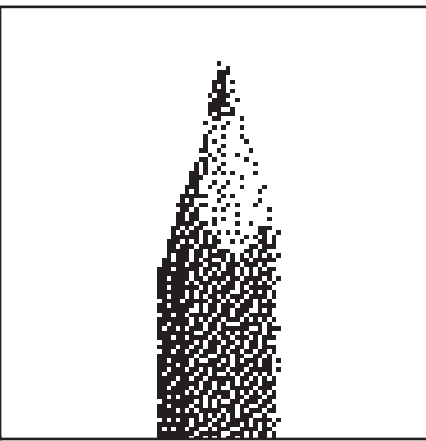
خانم نساجی کلاس‌های درسش را به صورت مسابقه برگزار می‌کند. او در مورد دلیل این کار می‌گوید: «بچه‌ها به مسابقه خیلی علاقه دارند. وقتی کسی کارش را زودتر و بهتر از بقیه انجام دهد، دو علامت مثبت می‌گیرد و نفرات بعدی به ترتیب یک مثبت می‌گیرند.»

وی درباره‌ی مشکلاتی که در زمینه‌ی تدریس هنر با آن‌ها روبه‌روست، می‌گوید: «یکی از مشکلاتی که دیگر به یک معضل تبدیل شده، وقت کم تدریس است. در پایه‌ی اول راهنمایی، چون دو ساعت کلاس هنر داریم، بهتر می‌توانیم کار کنیم. ولی در پایه‌های دوم و سوم راهنمایی، ساعت درسی خیلی کم است. من یک هفته در میان سرکلاس می‌روم و یک جلسه در میان نقاشی و خوش‌نویسی درس می‌دهم. در این میان اگر تعطیلی هم باشد، ممکن است تا یک ماه نتوانم با یک کلاس کار کنم.»

فلسفه‌ی هنر چیست؟

در میان معلمانی که در این نشست حضور پیدا کرده بودند، خانم فاطمه عباسی، از دره شهر استان ایلام نیز حضور داشت. این معلم جوان پیرامون مسائل مربوط به درس هنر می‌گوید: «در ابتدا باید به این پرسش پاسخ دهیم که چرا

یکی از مشکلاتی که دیگر به یک معضل تبدیل شده، وقت کم تدریس است



این حاشیه که باید به خوبی تحلیل کنیم. همیشه به دانشجویان، به خصوص ترم اولی‌ها می‌گویم که شما فکر کنید که افسران عالی‌رتبه‌ی آموزش و پرورش هستید. بنابراین، درس هنر باید جایگاه راستین خود را چه در ذهن معلم و چه در نظام تعلیم و تربیت پیدا کند.»



یکی از مشکلاتی که با آن روبه‌رو هستیم، کمبود نیروی انسانی متخصص رشته‌ی هنر است

به صورت گروهی تألیف می‌شوند، اما عموماً این گونه است که یک نفر قسمت خوش‌نویسی و یک نفر قسمت طراحی و نقاشی را تألیف کرده است. به نظر من اگر همه‌ی قسمت‌ها به صورت گروهی تألیف شوند، بهتر است؛ چرا که هر استادی سبک مخصوص به خود را دارد که ممکن است آن را وارد کتاب کند و شاید دیگران آن را نپسندند. موضوع دیگر در رابطه با کادر مدرسه، به خصوص مدیران مدارس است. بسیاری از آن‌ها مقاومت می‌کنند و درس هنر را جدی نمی‌گیرند. من با مدیری برخورد داشتم که چون کارم را جدی می‌گرفتم، از من شکایت داشت. می‌گفت: مگر هنر مهم است؟»

اول معلم بعد کتاب

آقای رحمت‌اللهی، میهمانی از استان خوزستان- شهر شوش- و با حدود ۹ سال سابقه‌ی کار بود که سخنانش را این‌گونه آغاز کرد: «ابتدا می‌خواهم مطلبی را درباره‌ی هنر دوره‌ی ابتدایی یادآور شوم. معمولاً معلم در زمینه‌ی هنر اطلاعاتش کم است، پس معلم دوره‌ی ابتدایی باید آموزش‌های خاصی را بگذراند. درباره‌ی درس هنر دوره‌ی راهنمایی هم باید از مسئولان گله کرد. چون زنگ هنر را به دست کسانی می‌سپارند که به عنوان زنگ تفریح از آن استفاده می‌کنند.»

این جلسه، میهمانی هم از شهر یزد داشت. آقای امیراحمدی با ۱۳ سال سابقه‌ی تدریس. او که از ابتدا به عنوان معلم هنر وارد آموزش و پرورش شده است، دو سال ابتدای تدریسش را با ۱۱ سال بعدی متفاوت

ما باید همه‌ی آن‌چه را که برای پایه‌ی اول تدریس می‌کنیم، برای دو پایه‌ی بعدی هم مطرح کنیم که با زمان کمی که وجود دارد، این کار سخت است.

بسیاری از مشکلات ما به دوره‌ی ابتدایی برمی‌گردد. پیشنهادی که من در این زمینه دارم این است که در دوره‌ی ابتدایی نیز هنر توسط متخصص هنر تدریس شود تا بچه‌ها پیش‌زمینه‌ای داشته باشند. متأسفانه الان بعضی‌ها زنگ هنر را زنگ تفریح محسوب می‌کنند، در حالی که باید نگاهی جدی به این درس داشته باشیم.

پیشنهاد دیگرم این است که حجم و تنوع کتاب بیشتر شود؛ البته نه حجم و تنوع بی‌منطق. مثلاً هنرهای دیگری هم چون تئاتر، موسیقی و هنرهای کلامی و نمایشی نیز معرفی شوند، تا معلم با توجه به منطقه، محیط، شرایط، فرهنگ و پیش‌زمینه، دانش‌آموزان را به سوی هنرها سوق دهد. مثلاً من در منطقه‌ای که تدریس می‌کنم، وقتی موسیقی و تئاتر را با هم تلفیق می‌کنم، جواب مثبتی می‌گیرم؛ طوری که بچه‌ها زنگ تفریح نمی‌خواهند از کلاس بیرون بروند. در حالی که تا قبل از آن می‌دیدم که بچه‌ها اشتیاقی به کلاس نشان نمی‌دهند و دوست دارند هرچه زودتر تمام شود.»

آقای اعتمادی یکی دیگر از مشکلات را کمبود وقت تدریس درس هنر دانست و گفت: «حتی هنرمند درجه‌ی یک هم طی ۴۵ دقیقه تا یک ساعت نمی‌تواند کاری انجام دهد؛ به خصوص که جمعیت بعضی کلاس‌ها زیاد است. نکته‌ی دیگر، در زمینه‌ی تألیف کتاب‌های هنر است. هرچند که این کتاب‌ها

زنگ هنر یا زنگ تفریح؟

آقای فخرالدین اعتمادی، از دیگر معلمان حاضر در این جلسه



بود که در شهر روانسر استان کرمانشاه تدریس می‌کرد. وی نکات قابل توجهی را مطرح کرد: «یکی از مشکلاتی که با آن روبه‌رو هستیم، کمبود نیروی انسانی متخصص رشته‌ی هنر است. البته نه همه جا، اما در خیلی مناطق که ما برای بازدید رفته‌ایم، متوجه شده‌ایم که سال قبل معلم حرفه‌وفن یا حتی معلم زبان،



هنر تدریس کرده است و در آخر نیم‌سال هم به همه‌ی دانش‌آموزان نمره‌ی ۱۸ تا ۲۰ داده است. بنابراین

متأسفانه معلمان هنر گرایشات خاصی به يك يا دو رشته دارند و چون تخصص لازم را در بعضی از این رشته‌ها ندارند، نمی‌توانند آن‌طور که باید آن رشته را در کلاس تدریس کنند

رشد آموزش

۱۰ هنر

دوره هشتم : شماره اول : پاییز ۱۳۹۸

می‌داند و می‌گوید: «وقتی بچه‌ها در درسی سردرگم شوند و به نتیجه نرسند، به تدریج خسته می‌شوند؛ حتی اگر آن درس نقاشی باشد. در دو سال اول تدریس هر آن‌چه را که بلد بودم و فکر می‌کردم که درست است، با بچه‌ها کار می‌کردم. البته ناگفته نماند که محیط هم مناسب بود. یعنی چون در روستا بودیم، به راحتی بچه‌ها را به محیط خارج از کلاس می‌بردیم. زنگ هنر حالت کلاسی نداشت و اگر هم بود، به گونه‌ای بود که بچه‌ها واقعاً راحت بودند. اما وقتی به مرکز استان آمدم تدریس از روی کتاب را ادامه دادم و از آن زمان تا حالا این کار ادامه دارد البته ناگفته نماند که به نظر من فقط مشکل کتاب نیست، مشکل خود معلم است.

متأسفانه معلمان هنر گرایشات خاصی به يك يا دو رشته دارند و چون تخصص لازم را در بعضی از این رشته‌ها ندارند، نمی‌توانند آن‌طور که باید آن رشته را در کلاس تدریس کنند. دانش‌آموزان هم متوجه این موضوع می‌شوند و معلم دیگر نمی‌تواند کلاس را مدیریت کند. در یکی از مدارسی که من تدریس می‌کردم، دو معلم هنر حضور داشتند. یکی در خوش‌نویسی و دیگری در نقاشی مهارت داشت. مدیر مدرسه کلاس‌ها را تقسیم کرد و خوش‌نویسی را به همان معلمی سپرد که مهارت خوش‌نویسی داشت و نقاشی را هم به معلمی سپرد که در نقاشی مهارت داشت. ما نتیجه‌ی خیلی خوبی از این کار گرفتیم. بنابراین اولین نکته خود معلم است و بعد سایر عوامل مثل ابزار مناسب، کارگاه، وقت مناسب و ... مطرح می‌شود. به نظر من اگر معلم مدیریت داشته باشد، طی دو

ساعت می‌تواند کارش را خوب انجام دهد.» آقای احمدی در ادامه‌ی سخنانش از تجربه‌ی خود در يك مدرسه‌ی نمونه دولتی یاد کرد و گفت: «بیشتر دانش‌آموزان این مدرسه از مدرسی آمده‌اند که قبلاً معلم هنر داشته‌اند. کار با این دانش‌آموزان خیلی راحت است، چون مبانی خط را می‌شناسند و با رنگ آشنا هستند. در نتیجه من به عنوان معلم می‌توانم راحت با این دانش‌آموزان کار کنم. اما زمانی که دانش‌آموز اطلاعات مبنایی را نداشته باشد، کار سخت خواهد شد و طبیعتاً نتیجه‌ی خوبی هم حاصل نمی‌شود.»

وی گفت: «بسیاری از همکاران اشاره کردند که بچه‌ها خوش‌نویسی را دوست ندارند. به نظر من باید کاری کنیم که دانش‌آموزان به خوش‌نویسی علاقه‌مند شوند. مثلاً من نقاشی خط کار کردم که بچه‌ها خیلی استقبال کردند. چون خوش‌نویسی هنری نیست که زود به نتیجه برسد و حتی خود ما هم گاهی با مشکل مواجه می‌شویم و زود به نتیجه نمی‌رسیم. بنابراین باید برای رفع مشکل راهکارهایی ارائه دهیم. مثلاً رنگ را وارد خوش‌نویسی کنیم یا اسم خود دانش‌آموزان را با قلم‌نی بنویسیم که خیلی خوششان می‌آید. پس اول باید خودمان را ارتقا دهیم، بعد سراغ انتقاد از کتاب و زمان درس برویم.»

همه‌ی هنرهای کشورم

آقای اکبر نظری، از کبودرآهنگ استان همدان نیز به نوعی صحبت‌های آقای احمدی در زمینه‌ی علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به هنر خوش‌نویسی را تأکید کرد و

گفت: «یکی از نکاتی که بسیاری از دوستان اشاره کردند، علاقه نداشتن دانش‌آموزان به خوش‌نویسی است. یعنی بچه‌ها به طراحی و نقاشی

زینا پراسه



بیشتر علاقه نشان می‌دهند که ممکن است به خاطر نبود تنوع در خوش‌نویسی باشد. در طراحی و نقاشی هم هرچه کار عملی بیشتر باشد، بچه‌ها علاقه‌ی بیشتری نشان می‌دهند. مثلاً وقتی سرکلاس بچه‌ها کار عملی انجام می‌دهند، استقبال می‌کنند. ما سرکلاس وسایلی تهیه می‌کنیم

محمّد احمدی



که خیلی هم گران‌قیمت نباشند و در دسترس همه باشند و با همان



رضا رحمت‌اللهی

برای آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با آثار هنری است. خود ما دبیران کم و بیش که به موزه‌ها می‌رویم، از آثار هنری تأثیر می‌گیریم و در روند کاری ما تأثیرگذار است.»

نشست دبیران هنر از چهار گوشه‌ی کشور، میهمانی هم از شهر قروه استان کردستان داشت. آقای **محمد صمدی** معتقد بود: «می‌توان نقش کتاب را نادیده گرفت، چون ما به سرفصل‌هایی نیاز داریم که همه‌ی معلمان از آن استفاده کنند. مثلاً من وقتی به عنوان معلم وارد مدرسه می‌شوم، باید دنباله‌رو معلم قبلی باشم. هم‌چنین پیشنهاد می‌کنم، ضمیمه‌ای با عنوان هنر هر استان به کتاب هنر استان اضافه شود که در آن هنرهای هر استان معرفی شود؛ مثل کتاب جغرافیای استان که از تجربیات خوب سازمان پژوهش بود.»

معلم متخصص + معلم خلاق

خانم احمدی، از اسلام‌آباد، یکی دیگر از معلمان حاضر در این جلسه است که می‌گوید: «در جایی که من تدریس می‌کنم، هنر جایگاهی ندارد و من باید دانش‌آموزان را علاقه‌مند کنم. یکی از کارهایی که به ذهنم رسیده است و انجام می‌دهم، این است که از میان کارهایی که بچه‌ها انجام می‌دهند، هر کدام که بهتر باشد را به دیوار کلاس نصب می‌کنم. با این کار بچه‌ها خیلی تشویق می‌شوند و رقابتی بینشان به وجود می‌آید که هم آثارشان از یکدیگر بهتر باشد و هم معلمان دیگر این آثار را ببینند و تشویقشان کنند. یعنی از تشویق به عنوان چاشنی اصلی تدریس استفاده کرده‌ام.»

آقای صمدی در تکمیل سخنان این همکار ادامه داد: «ما علاوه بر پرورش معلم متخصص هنر، به معلم خلاق هم نیاز داریم تا بتواند از ساعتی که در اختیار دارد، به صورت مفید استفاده کند و یک کار هنری ارائه دهد. به بهانه‌ی این که محیط مناسب نیست و یا این که هنر جایگاه ندارد، کلاس را تعطیل نکند. من در چنین شرایطی از هنرهای نمایشی مثل پانتومیم استفاده می‌کنم که هم بی‌سروصداست و هم بچه‌ها دوست دارند که کارهای روزمره زندگی را به صورت پانتومیم اجرا کنند.»

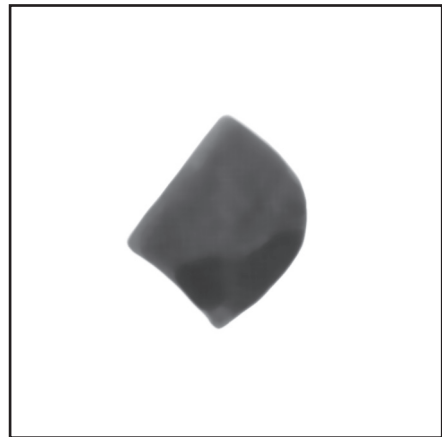
تدریس هنر از دوره‌ی ابتدایی

خانم زینا پیراسته، از شهر تویسرکان در استان همدان. نیز از دیگر معلمان هنر بود که سخنانش را این‌گونه آغاز کرد: «ابتدا می‌خواهم بر بعضی از نکات دوستان تأکید کنم؛ به خصوص در رابطه با تدریس هنر در دوره‌ی ابتدایی. یعنی اگر قرار است تغییراتی در شیوه‌ی آموزش هنر ایجاد شود، باید از پایه باشد تا مفاهیم اولیه به دانش‌آموزان تدریس شود. در این صورت کار معلم در دوره‌ی راهنمایی تحصیلی راحت‌تر خواهد بود.»

هم‌چنین، باید کاربرد هنرهایی که به بچه‌ها آموزش می‌دهیم را به آن‌ها بگوییم. مثلاً بگوییم که با سیب‌زمینی می‌توانند آرم درست کنند. یا حتی چاپ روی پارچه انجام دهند. من قبول دارم که کتاب این ایراد را دارد که به دانش‌آموزان کاربرد این هنرها را نمی‌گوید و اگر قرار است کتاب تغییر کند، باید روند تکمیلی داشته باشد و کاربرد هنرها را نیز آموزش دهد.»

وسایل ابزارسازی می‌کنیم. در واقع هنر را کاربردی می‌کنیم. مثلاً بچه‌ها یاد می‌گیرند چگونه کمدشان را با موزاییک تزئین کنند. بنابراین، هرچه ما به سمت کاربردی کردن هنر برویم، بهتر است.»

وی در ادامه گفت: «در هر منطقه‌ای هنرهای سنتی مخصوص به خود را دارد. اگر از هر منطقه



یک هنر سنتی در کتاب باشد، فکر می‌کنم بهتر است. یعنی کتاب نماینده‌ی هنرهای سنتی کشور هم باشد.»

آقای جعفری، دیگر معلم حاضر در جلسه نیز نظراتش را این‌گونه بیان کرد: «پیشنهاد من برگزاری اردوهای درون‌شهری یا برون‌شهری

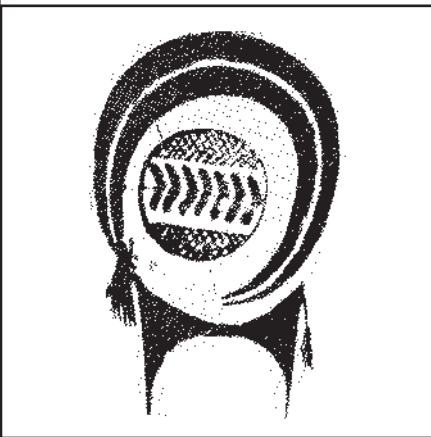


در هر منطقه‌ای هنرهای سنتی مخصوص به خود را دارد. اگر از هر منطقه یک هنر سنتی در کتاب باشد، فکر می‌کنم بهتر است. یعنی کتاب نماینده‌ی هنرهای سنتی کشور هم باشد



میرزاالدین اعدادی

وادی هنر نمره باید توصیفی باشد. استعداد امری ذاتی است و هنر هم امری ذوقی است. واقعیت این است که نمره گاهی اوقات به ذوق بچه‌ها لطمه می‌زند، اما ما مجبوریم که نمره‌ی تعریف شده به دفتر تحویل دهیم. نمره چیزی نیست که آن را در راستای جدی گرفتن درس هنر تلقی کنیم و به کسی که آن را جدی



نی‌گیرد، نمره‌ی کم بدهیم. جدی گرفتن هنر با تدوین یک کتاب خوب و فعالیت بهتر و بیشتر گروه‌های هنر مناطق میسر می‌شود. مشکل دیگری هم که من شاهد آن هستم احترام به هنر است. من پنج سال در سنجندج تدریس کردم و



در منطقه‌ی ۴ مشغول به کار است. او می‌گوید: «طی دو سال تدریسم، همواره این سؤال برای من مطرح بوده که هدف از درس هنر در دوره‌ی راهنمایی تحصیلی چیست. آیا می‌خواهیم هنر گذشته و معاصرمان را معرفی کنیم؟ آیا می‌خواهیم رشته‌های کاردانش و هنرستان را به آن‌ها معرفی کنیم؟ یا فقط وظیفه داریم که دانش‌آموزان را سرکلاس ساکت نگه داریم؟»

او در ادامه گفت: «من احساس می‌کنم که معلمان ما تا حدودی از دانش‌آموزان عقب‌تر هستند. چون هنر همواره به روز می‌شود و من هم برای این‌که بتوانم پایه‌پای آن پیش بروم، باید دوره‌های خاصی را طی کنم. یعنی خود من باید آموزش ببینم. هم‌چنین، پیشنهاد می‌کنم که سه سال دوره‌ی راهنمایی را تقسیم‌بندی کنیم، به گونه‌ای که مثلاً سال اول خوش‌نویسی، سال دوم طراحی و سال سوم تلفیقی از این دو باشد.»

آقای تیموری در پاسخ به این معلم گفت: «این تقسیم‌بندی با دیدگاه روان‌شناختی هم‌خوانی ندارد. ما باید ابژه‌های هماهنگ را ببینیم که می‌تواند در خوش‌نویسی، طراحی، صنایع دستی، فن بیان و ... تجلی پیدا کند. بنابراین ما نمی‌توانیم هنر را به دانش‌آموز دیکته کنیم و محدود کردن آن‌ها به یک هنر مشکلات خاص خودش را دارد.»

خانم سمیرا مقدمی از شهر قدس تهران نیز علاوه بر ذکر کمبود وقت در تدریس هنر مشکل نمره را بیان داشت که در زمینه‌ی درس هنر وجود دارد. او گفت به نظر من در

خانم پیراسته در ادامه گفت: «من سابقه‌ی تدریس تصویرسازی و تاریخ هنر ایران در هنرستان را نیز دارم. متأسفانه دانش‌آموزان تصور می‌کنند، هرکس که تنبل است، گرافیک می‌خواند. الان در مؤسسه‌ای که تدریس می‌کنم، دانش‌آموزی دارم که معدلش ۱۹/۵ است و فقط به خاطر علاقه‌اش، در این رشته تحصیل می‌کند و بقیه‌ی کلاس معدل‌های خیلی پایین دارند. مدتی پیش هم از اداره‌ی شهرمان، بازرسی به مدرسه آمد که می‌گفت دانش‌آموزان تنبل به هنرستان می‌آیند! یعنی این باور به یک فرهنگ تبدیل شده است. دانش‌آموزان درس‌خوان، رشته‌های ریاضی و تجربی و اگر کمتر درس‌خوان باشند، رشته‌ی انسانی را انتخاب می‌کنند و در مراحل بعد سر کلاس رشته‌ی گرافیک می‌نشینند تا می‌رسد به رشته‌ی خانه‌داری. همین فرهنگ باعث شده است، بازده افت کند.»
وی افزود: «نکته‌ی دیگر این است که پُست من دبیری است و نمی‌توانم در هنرستان به صورت موظف تدریس کنم، چون هنرآموز نیستم و لذا از توانم استفاده نمی‌شود. در حالی که در درس‌های تخصصی رشته‌ی گرافیک به دبیران واجد تخصص نیاز داریم که نبود آن‌ها باعث می‌شود که هنرجویان بسیار ضعیف عمل کنند.
من بر استفاده از توانایی معلمان به طور صحیح و سر جای خودشان تأکید دارم.»

وقت کم، آفت تدریس هنر
خانم ستاره انتظار شبستری، اولین معلم از شهر تهران است که نظراتش را بیان می‌کند. او دو سال سابقه‌ی تدریس دارد و در هنرستانی

آن احترامی که باید به هنر گذاشته شود را دیدم. به هیچ وجه تدریس هنر به دبیرهای غیرتخصصی واگذار



نمی‌شد. اما در شهرقدس که یکی از مناطق تهران است، من برای این که بتوانم ساعت‌های هنر را بگیرم، می‌جنگم!»

معلم هنر همه فن حریف نیست

آقای سعید رستمی، از پاکدشت ورامین می‌گوید: «اگر مشکل اساسی



درس هنر را بسط دهیم، متوجه همه‌ی نظام آموزش و پرورش خواهد شد. در واقع این مقوله شاید نزدیک

به ۲۰ سال است که دست نخورده باقی مانده است.»

وی از تجربه‌اش در دوره‌ی دانشجویی یاد کرد و گفت: «رشته‌ی من در دوره‌ی کاردانی و کارشناسی آموزش هنرهای تجسمی بود، اما قویاً می‌گویم که حتی یک واحد با عنوان آموزش هنرهای تجسمی نداشتیم و تمام واحدها هنرهای تجسمی بود. کدام یک از ما می‌تواند به یک دانش‌آموز سال اول راهنمایی بقبولانیم که از سیاه مشق میرزا غلامرضا لذت برد. این موضوع همان قدر سخت است که بخواهیم فیزیک کوانتوم را به همان دانش‌آموز یاد دهیم. ما هیچ درس و استادی نداشتیم که به ما چگونگی آموزش خوش‌نویسی به دانش‌آموز را آموزش دهد!

نکته‌ی مهم دیگر این است که اصلاً لازم نیست معلم هنر در همه‌ی زمینه‌های هنری تخصص داشته باشد. کافی است که در یک رشته تخصص و با بقیه‌ی زمینه‌ها آشنایی داشته باشد تا اگر دانش‌آموزی به او مراجعه کرد، بتواند او را راهنمایی کند.»

ایشان تأکید کرد: «حلقه‌ی مفقوده در نظام آموزشی ما، بحث خلاقیت است. یعنی خلاقیت اصلاً معنای خارجی ندارد. برای مثال، نقاشی درسی است که دانش‌آموز باید در آن خلاقیت به خرج دهد. زمانی به دانش‌آموز اجازه می‌دهیم که از هر ابزار و رنگی برای ترسیم هر آنچه که می‌خواهد، استفاده کند و زمانی هم یک مکعب روبه‌رویش می‌گذاریم تا طرحی از آن بکشد. این دو خیلی با هم متفاوت‌اند. کودکان وقتی آزاد باشند، واقعاً از کارشان لذت می‌برند.»

من امیدوارم با دید دوباره به نظام آموزشی، این مشکلات حل شوند. من به عنوان معلم نمی‌توانم دانش‌آموز را به هنر علاقه‌مند کنم، آن هم در حالی که به دلیل یک تعطیلی ممکن است که در ماه فقط یک بار دانش‌آموز را ببینم.»

هنر، غذای روح

آخرین نفر از معلمان آقای امید رسولی، از دماوند بود که این نکات را بیان کرد: «مطمئناً من آن قدر توانمند نیستم که بتوانم یک هنرجو را آموزش دهم، اما وظیفه‌ی من به عنوان معلم هنر دوره‌ی راهنمایی، ایجاد انگیزه در دانش‌آموز است. من معلم باید به دانش‌آموز ثابت کنم، همان‌گونه که انسان نیازمند خوراک، پوشاک و مسکن است، به غذای روح هم احتیاج دارد و آن غذای روح چیزی غیر از هنر نیست. اگر من توانستم این موضوع را به دانش‌آموز ثابت کنم، وظیفه‌ی خودم را به عنوان معلم هنر انجام داده‌ام.»

مشکلات عادی نمی‌شوند

در انتهای جلسه، آقای تیموری ضمن تشکر از حاضران در جلسه گفت: «من از محورهایی که هرکدام از بزرگواران بیان کردند، کمال استفاده را بردم. گاهی اوقات که ما در بطن ماجرابی قرار می‌گیریم، مشکلات عادی می‌شوند. اما در این جلسه با وجود این‌که ما مقدمات لازم را هم برایش ایجاد نکرده بودیم شاهد بودیم که بارش ذهنی سیستماتیک صورت گرفت و مطالب تازه و محورهای ارزشمندی بیان شدند. من امیدوارم که بیشتر بتوانیم از این‌گونه نشست‌ها برگزار کنیم و از نظرات شما بهره‌مند شویم.»

حلقه‌ی مفقوده در نظام آموزشی ما، بحث خلاقیت است. یعنی خلاقیت اصلاً معنای خارجی ندارد